



آشکارتر شدن واقعیت‌ها و صف‌کشی‌های جنگ تحمیلی ۱۲ روزه با اعتراف اخیر ترامپ

# طرف مقابل ما آمریکا بود



برای دفاع مستمر از رژیم صهیونی و البته منافع خود، ۲ باتری سامانه تاد و حدود ۱۰۰ پرسنل نظامی خود را در خاک اراضی اشغالی مستقر کرد. گزارش JINSA تأکید می‌کند با کاهش ذخایر رهگیرهای اسرائیل، این رژیم «بشدت به پدافند هوایی ایالات متحده وابسته بود». ایالات متحده تجهیزات حیاتی‌ای را فراهم کرد.

■ **آمریکا، عامل و آمر جنایت**  
بر اساس برآورد JINSA، ایالات متحده «بیش از ۱۵۰ رهگیر تاد (Talon) و ۸۰ رهگیر SM-۳» شلیک کرد که این میزان حدود ۷۰ درصد کل رهگیرهای مورد استفاده در طول جنگ و ۲۵ درصد ذخایر ایالات متحده» را تشکیل می‌داد. این به آن معناست که مدیر جنگ یعنی ایالات متحده، بیش از ۷۰ درصد توان دفاعی نیروی نیابتی خود را تأمین کرد. بدون این پشتیبانی گسترده تجهیزات، رهگیر موشکی ایران، پدافند اسرائیل را در هم می‌شکست و منجر به خسارات فاجعه‌بار برای صهیونیست‌ها می‌شد. ایالات متحده جنگ را عملاً با تبدیل اسرائیل به یک سپر، مدیریت کرد تا عملیات متعده و بخش مهمی از مدیریت میدان در نهایت، باید توجه داشت داده‌های بین‌المللی به طور قطعی ثابت می‌کند نقش ایالات متحده در جنگ ۱۲ روزه ژوئن ۲۰۲۵، به هیچ‌وجه به «پشتیبانی» محدود نبود. ایالات متحده از طریق برنامه‌ریزی استراتژیک، فرماندهی مستقیم حمله اولیه، اجرای انحصاری عملیات‌های تهاجمی کلیدی و مدیریت آغاز و پایان جنگ، به وضوح به عنوان «معمار» و «آمر» این جنگ عمل کرد. به عبارت دیگر، شواهد به طور قاطع نشان می‌دهد ایالات متحده «حامی» جنگ ۱۲ روزه اسرائیل نبود، بلکه «مدیر کامل» آن بود. آمریکا در خصومت خود با ملت ایران البته چنان راسخ بود که به نقش آمريت هم بسنده نکرد، بلکه ترجیح داد عملاً خود هم در میدان حاضر شود و بخش مهمی از مدیریت میدان را بر عهده گیرد. از سخت‌تر تنش که بمباران فردو بود، تا سوخت‌گیری برای هواپیماهای نیروی نیابتی‌اش.

فرماندهی واحد استراتژیک بود که بر اساس اعتراف بعدی ترامپ، آن فرماندهی در واشنگتن قرار داشت و امر تمام آن فرایند هم آمریکا بود.

■ **جیب ددی!**  
آمریکا برای نیروی نیابتی خود در آغاز و تمام طول جنگ، از هیچ کمکی فروگذار نکرد. در حقیقت آمریکا نه برای اسرائیل که چون خود آغازگر جنگ بود، به یک معنا برای خود و لخرچی می‌کرد. آمریکا انبار بزرگی از تسلیحات نظامی برای استفاده در سراسر منطقه خاورمیانه در اسرائیل تدارک دیده است که ذیل نامگذاری «WRSA-I» به اسرائیل اجازه می‌دهد تسلیحات مورد نیاز این رژیم، به راحتی، با تأیید آمریکا، در زمان نیاز به اسرائیل منتقل شود. این رابطه به صورت مستمر در ایام جنگ ۱۲ روزه برقرار بود. در کنار تمام این کمک‌های تسلیحاتی البته گزارش‌های متعددی نشان می‌دهد در تمام ۲ سال اخیری که اسرائیل در حال قتل‌عام مردم غزه و لبنان بود، دولت آمریکا عددی بالغ بر ۲۵ میلیارد دلار به اسرائیل پرداخت کرد که عموم این پول بر اساس گزارش‌های متعدد منابع مختلف، صرف نیازهای پدافندی اسرائیل برای رهگیری موشک‌های ایران و راکت‌های نیروهای محور مقاومت شد. این رابطه، یعنی پرداخت هزینه‌های رهگیری پدافند اسرائیل، در رابطه میان «Burn Rate» نام دارد. به این معنا که اسرائیل یک رهگیر شلیک می‌کند و ایالات متحده هزینه جایگزینی آن را می‌پردازد. این امر وزارت خزانه‌داری ایالات متحده را به یک شرکت‌کننده فعال در بودجه عملیاتی -دفاعی اسرائیل تبدیل می‌کند. یعنی به ازای هر یک موشکی که ایران در جنگ ۱۲ روزه شلیک کرد، فاکتور برای دولت آمریکا ارسال می‌شد. از سوی دیگر، نقش ایالات متحده در این درگیری را نمی‌توان صرفاً به عنوان «حامی» صرف تعریف کرد، زیرا ایالات متحده، در کنار رژیم صهیونی و علیه ایران، یک طرف متخاصم بود. یکی از اصلی‌ترین نقش‌های آمریکا در این نبرد، مدیریت میدانی دارایی‌ها بود. به این معنا که آمریکا

بین‌المللی، از جمله تحلیل موسسه مطالعات امنیتی اتحادیه اروپایی (ISS) تأیید می‌کند جت‌های جنگنده اسرائیلی که اهداف را در عمق خاک ایران بمباران می‌کردند، در طول مأموریت خود توسط هواپیماهای تاکتر ایالات متحده «سوخت‌گیری» می‌شدند. این به معنای «مشارکت مستقیم» آمریکا در هر سورتی پرواز تهاجمی علیه ایران است. بدون این سوخت‌گیری، بسیاری از این حملات دوربرد عملاً غیرممکن بود. از سوی دیگر نقش خدمات اطلاعاتی آمریکا به رژیم صهیونیستی برای هدف قرار دادن افراد و اماکن در ایران نیز مشهود بود. به عبارتی غیر از لجستیک و تأمین تسلیحات، آمریکا اطلاعات نظامی لازم را به طور کامل در اختیار رژیم صهیونیستی قرار داده بود. در واقع همه ارکان جنگ را آمریکا فراهم کرده بود.

■ **تقسیم کار کثیف**  
شاید بتوان به صورت دقیق‌تر اینطور بیان کرد که اسرائیل بیش از آنکه خود نیروی آغازگر جنگ علیه ایران باشد، در حقیقت تنها یک هم‌رزم در کنار آمریکا بود. نقش آمریکا تنها در صادر کردن دستور غیررسمی آغاز جنگ علیه ایران یا سوخت‌گیری هوایی و برنامه‌ریزی پیش از آغاز جنگ خلاصه نمی‌شود، بلکه آمریکا عملاً با حمایت‌های پس از دستور آغاز، جنگ را برای اسرائیل بدل به یک تفتن و ولخرجی از جیب پدر کرد. ناگفته نماند بمباران سایت‌های فردو هم خود نشان یبّتی از یک تقسیم کار میان آمریکا و اسرائیل بود، به این معنا که اسرائیل با آغاز جنگ به دستور آمریکا، عملاً تا سقف توانمندی‌های خود را به نمایش گذاشت و پس از آن آمریکا هم برای ضربه وارد میدان شد. این تقسیم کار نشان می‌دهد اسرائیل به تنهایی قادر به دستیابی به هدف اصلی جنگ نبود. اسرائیل نقش نیروی آغازگر و تضعیف‌کننده را ایفا کرد، در حالی که ایالات متحده نقش «تمام‌کننده» و مجری عملیات حیاتی را بر عهده گرفت. چنین عملیات یکپارچه‌ای، نیازمند ماه‌ها برنامه‌ریزی مشترک، هماهنگی اطلاعاتی دقیق و یک

دستور و برنامه‌ریزی مشترک میدانی برای حمله و در بخش دیگر، مساله پشتیبانی مستمر آمریکا از نیروی نیابتی تهاجمی خود، اسرائیل.

■ **دستور مخفیانه**  
اول به بخش نخست، یعنی مشارکت علنی آمریکا در این حمله می‌پردازیم. بر اساس گزارش مفصّلی که مرکز یهودی برای سیاست آمریکا یا JINSA منتشر کرده است، آمریکا عملاً آغازگر تهاجم علیه کشورمان بود. من مسؤول آن بودم». ترامپ گفت کنترل کامل جنگ را در اختیار داشت. آنچه او بر زبان آورد، نه هذیانی از سر تفتن یا میل ناتمام او به گنده‌گویی‌هایی در رابطه با نقشش در پدیده‌ها، بلکه دقیقاً همان اعترافی است که میدان و زمینه رویدادها به آن شهادت داده است اما هنوز هم برای تفهیم این حقیقت آشکار در کشور باید کوشید. از این رو این گزارش تلاش می‌کند نشان دهد اتفاقا جنگ ۱۲ روزه، بیش از آنکه یک نبرد با اسرائیل باشد، به دلیل سطح مشارکت آمریکا در آن، عملاً یک نبرد تمام‌عیار با آمریکا بود؛ نبردی که خود آغاز کرد، خود در آن جنگید و پشتیبانی کرد.

■ **تعهدات بی‌پایان**  
پیش از مرور فکت‌های میدانی باید دانست یک رژیم سخت و استوار حقوقی و اقتصادی حمایت میان اسرائیل و آمریکا برقرار است که به چندین نوع توافق و سند دولتی میان ۲ رژیم مستند شده. به این معنا که آمریکا حتی در وضعیت غیرجنگی هم تقریباً به دلیل میزان و نوع حمایت‌هایی که از نظر قانونی بر خود بار کرده است، عملاً با اسرائیل یکی دانسته می‌شود. اسرائیل تقریباً نقش یک انبار بزرگ تسلیحات آمریکایی در منطقه را هم دارد. برای آنکه به مدعای اصلی این گزارش، یعنی تهاجم مستقیم آمریکا به جمهوری اسلامی ایران بپردازیم، باید ۲ سطح مساله را از یکدیگر تفکیک کنیم؛ دسته اول مسائل، هماهنگی‌های پیش از حمله، صدور

**مهدی حسینی:** ترامپ روز پنجشنبه بالاخره آن اعترافی را کرد که حتی برخی در ایران هم سادهلوحانه بعد از جنگ تلاش داشتند آن را گتمان کنند. او در حضور خبرنگاران در رابطه با تجاوز اسرائیل به خاک ایران صحبت کرد و رسماً مسؤولیت آن حمله را به عنوان رئیس‌جمهوری ایالات متحده بر عهده گرفت و گفت: «اسرائیل ابتدا حمله کرد. این حمله بسیار بسیار قدرتمند بود. من مسؤول آن بودم». ترامپ گفت کنترل کامل جنگ را در اختیار داشت. آنچه او بر زبان آورد، نه هذیانی از سر تفتن یا میل ناتمام او به گنده‌گویی‌هایی در رابطه با نقشش در پدیده‌ها، بلکه دقیقاً همان اعترافی است که میدان و زمینه رویدادها به آن شهادت داده است اما هنوز هم برای تفهیم این حقیقت آشکار در کشور باید کوشید. از این رو این گزارش تلاش می‌کند نشان دهد اتفاقا جنگ ۱۲ روزه، بیش از آنکه یک نبرد با اسرائیل باشد، به دلیل سطح مشارکت آمریکا در آن، عملاً یک نبرد تمام‌عیار با آمریکا بود؛ نبردی که خود آغاز کرد، خود در آن جنگید و پشتیبانی کرد.

پیش از مرور فکت‌های میدانی باید دانست یک رژیم سخت و استوار حقوقی و اقتصادی حمایت میان اسرائیل و آمریکا برقرار است که به چندین نوع توافق و سند دولتی میان ۲ رژیم مستند شده. به این معنا که آمریکا حتی در وضعیت غیرجنگی هم تقریباً به دلیل میزان و نوع حمایت‌هایی که از نظر قانونی بر خود بار کرده است، عملاً با اسرائیل یکی دانسته می‌شود. اسرائیل تقریباً نقش یک انبار بزرگ تسلیحات آمریکایی در منطقه را هم دارد. برای آنکه به مدعای اصلی این گزارش، یعنی تهاجم مستقیم آمریکا به جمهوری اسلامی ایران بپردازیم، باید ۲ سطح مساله را از یکدیگر تفکیک کنیم؛ دسته اول مسائل، هماهنگی‌های پیش از حمله، صدور

تیتیر های امر وز



گزارش «وطن امروز» از آخرین تغییرات متوسط قیمت کالاهای خوراکی منتخب

## گردنه خوراکی‌ها

صفحه ۵

افشاکری‌های پرترکار خانواده نیکا شاکری می‌علیه یکدیگر ادامه دارد

### نردبان خون

آتش شاکری می:

نیکا تمام عمر از مادرش شلاق خورد

«کارت رفاهی» از پایان آبان در سامانه تسهیلات ازدواج بانک مرکزی فعال می‌شود

### مکمل وام نقدی یا...

صفحه ۲

بررسی ریشه‌های تأخیر در پرداخت مطالبات نظام سلامت توسط بزرگ‌ترین سازمان بیمه‌گر کشور

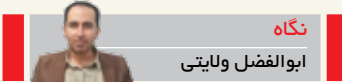
ویژه

## سلامت در گرو تأمین اجتماعی

صفحه ۲

افزایش گمانه‌زنی‌ها درباره استقرار نظامیان آمریکایی در جنوب دمشق

یائکی‌ها در شام مستقر می‌شوند



از زمان خاتمه جنگ دوم جهانی و شکل‌گیری نظام دوقطبی و جنگ سرد، منطقه غرب آسیا به شکل سنتی تحت سیطره یکی از ۲ بلوک یادشده قرار گرفت. از جمهوری‌های خودکامه عرب در مصر، عراق، سوریه و یمن جنوبی به عنوان متحدان اتحاد جماهیر شوروی و از رژیم‌های سلطنتی ارتجاعی محافظه‌کار نظیر شیخ‌نشین‌های خلیج فارس به عنوان همپیمانان بلوک غرب نام برده می‌شد.

از انقراض پیمان کمپ‌دبید و به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی از سوی «لور سادات» در سال ۱۹۷۸ به عنوان نقطه عطف در مناسبات منطقه‌ای و دگرگونی موازنه قوا در منطقه نام برده می‌شود. به موازات فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، یکپارچگی یمن و عملیات «توفان صحرا» علیه رژیم بعث عراق و نهایتاً ساقط شدن صدام در سال ۲۰۰۳، نفوذ آمریکا در منطقه بیش از پیش افزایش یافت. با این حال تداوم حکمرانی خاندان اسد در سوریه و سیاست‌ورزی شخص حافظ اسد توانان با نگرش‌های ضدصهیونیستی و ضلالم‌پرالیستی دمشق، جمهوری عربی سوریه را به عنوان بزرگ‌ترین پایگاه بر جاسانده از متحدان اقماری شوروی برای فدراسیون روسیه جدید حفظ کند.

از بندر طرطوس به عنوان کلیدی‌ترین پایگاه دریایی روس‌ها در مدیترانه و از پایگاه هوایی حمیمیم به عنوان بزرگ‌ترین پایگاه نظامی مسکو در غرب آسیا نام برده می‌شود. از همین رو در پی سقوط بشار اسد در سوریه و به موازات تحرکات ایالات متحده، رژیم صهیونیستی، ترکیه و کشورهای عرب جهت تحول بنیادین در منطقه و بسط نفوذ در هیات حاکمه جدید سوریه، مقامات کاخ کرملین کوشیده‌اند با ترمیم روابط با هیات تحریر شام زمینه حفظ پایگاه‌های دریایی و هوایی خوش در سوریه را فراهم آورند. در مقطع کنونی در آستانه نخستین سالگرد سیطره شورشیان تحریر شام بر دمشق، جمهوری عربی سوریه همچنان با چالش‌های گسترده امنیتی، سیاسی و اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کند. رژیم صهیونیستی در طول یک سال اخیر با اشتغال ارتفاعات جبل‌الشیخ به شکل روزمره اقدام به نقض تمامیت ارضی سوریه کرده است. از سوی دیگر نگرش افراط‌گرایانه رهبران تحریر شام زمینه درگیری‌های گسترده میان شبه‌نظامیان این گروه با گروه‌های مسلح کردی، کرد و علویان را فراهم آورده و ثبات و تمامیت ارضی سوریه را به مخاطره انداخته است.

ادامه در صفحه ۷